

حوادث ۱۹ خرداد

تلنگر

قتل‌عام خانوادگی خواهرزاده

مردی که در جریان اختلاف با خانواده خاله‌اش، مسلحانه وارد خانه او در شهرستان بناب شده و وی و سه عضو خانواده‌اش را با شلیک گلوله به قتل رسانده بود پس از هشت ساعت از وقوع این حادثه بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، سرهنگ سهراب شفق، فرمانده انتظامی شهرستان بناب گفت: عصر یکشنبه بیست و نهم دی امسال، فردی با پلیس بناب تماس گرفت و از وقوع جنایتی در خانه همسایه شان خبرداد. زمانی که ماموران برای بررسی ماجرا در محل جنایت حاضر شده و به خانه مورد نظر وارد شدند، مشاهده کردند اعضای یک خانواده چهارنفره که شامل زن، شوهر و دختر و پسرشان بودند بر اثر شلیک گلوله به قتل رسیده‌اند.

وی افزود: تحقیقات پلیسی نشان می‌دادکه آنها ساعتی از مرگشان می‌گذرد، اجساد با هماهنگی قضایی به پزشکی قانونی منتقل شده و تحقیقات ماموران پلیس جنایی آگاهی برای شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان این قتل‌عام خانوادگی ادامه پیدا کرد. در تحقیقات بعدی پلیسی معلوم شد که این خانواده با پسری که خواهرزاده زن کشته شده بوده اختلاف‌هایی داشته‌اند.

شفقی ادامه داد: این مرد به عنوان تنها مظنون در جنایت خانوادگی تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. زمانی که ماموران برای دستگیری او به خانه‌اش رفتند، معلوم شد که او آنجا را به مکان نامعلومی ترک کرده و کسی از او خبری ندارد. هم‌زمان با مفقود شدن او، ماموران شک‌شان برای این‌که او در این حادثه نقش داشته بیشتر شد.

فرمانده انتظامی شهرستان بناب افزود: تحقیقات پلیسی برای دستگیری او ادامه داشت تا این‌که رد متهم در کمتر از هشت ساعت از زمان جنایت در شهرستان سقز در استان کردستان به دست آمد. ماموران با هماهنگی قضایی به مخفیگاه متهم به قتل فراری رفتند و بعد از محاصره محل، او را پیش از آن‌که فرصتی برای فرار پیدا کند، بازداشت کردند.

وی گفت: متهم در تحقیقات اولیه اعتراف کرد که با خانواده خاله‌اش اختلاف داشته است و عصر روز یکشنبه نیز در حالی که مسلح بوده وارد خانه خاله‌اش شده و به دلیل اختلاف و کینه‌ای که از آنها داشته، خاله و سه عضو خانواده وی را با شلیک گلوله به قتل رسانده است.

این در حالی است که علیرضا دهقان، دادستان بناب نیزدر باره این پرونده گفت: بررسی‌های اولیه در صحنه جنایت نشان می‌داد که زن و هرکدام بر اثر شلیک یک گلوله به قتل رسیده بودند.عامل جنایت با برهم زدن وسایل خانه دست به صحنه‌سازی زده و حتی طلاهای مادر و دختر خانواده را نیز به سرقت برده بود تا همه گمان ببرند که آنها با انگیزه سرقت طلاها به قتل رسیده‌اند.

درگیری مقابل کلانتری

راز مامور قلابی را فاش کرد

راز مامور قلابی که به بهانه وصول طلب سراغ بهدکاران می‌رفت، با درگیری او با آخرین شاکی پرونده‌اش در مقابل کلانتری فاش شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، صبح روز یکشنبه ماموران گشت پیشگیری یکی از کلانتری‌های شرق تهران در زمان خروج از کلانتری مشاهده کردند دو نفر در مقابل کلانتری با هم درگیری لفظی داشته و دست به یقه شده‌اند که یکی از ماموران برای بررسی موضوع وارد عمل شده و این دو مرد را از هم جدا کرد. یکی از طرفین دعوا در خصوص درگیری‌اش با مرد جوان ادعا کرد؛ این مرد که از ماموران کلانتری است به مقابل در خانه‌ام آمد و با نشان دادن یک حکم جلب مدعی شد باید به او پول پرداخت کنم تا بتواند رضایت شاکی را بگیرد و من را به کلانتری منتقل نکند.

ماموران در ادامه با بازرسی بدنی مامور قلابی از جیب مرد جوان یک رشته دستبند، گاز اشک‌آور و آتئی بی‌سیم پیدا کردند. ماموران در ادامه مردی را که این مامور را اجیر کرده بود پیدا کردند که او عنوان کرد: از طریق یکی از دوستانم با این جوان که خود را مامور معرفی کرده بود آشنا شدم، وی مدعی بود می‌تواند طلبم را از مرد بدهکار بگیرد.

من از او خواستم این مشکل را حل کند.

در ادامه از مامور قلابی تحقیق شد که او در بازجویی‌ها گفت: این شیوه را از یکی از دوستانم آموزش دیدم و قرار بود بعد از وصول هر طلب ۴۰ درصد آن را بگیرم، اما خیلی زود شناسایی و دستگیر شدم.

تحقیقات از متهم توسط ماموران ادامه دارد.



پس از این شکایت تحقیقات پلیسی آغاز و مشخص شد مردی ۳۱ ساله با جرایم رایانه‌ای «ناحیه ۳۱ تهران» به پلیس فتا مراجعه و اظهار کرد، فردی ناشناس در یک سایت ناشناس مطالب کذبى درباره محصولات شرکتش منتشر کرده و انتشار این مطالب باعث ضرر و زیان مالی به شرکت شده است.

مدیرعامل یک شرکت بازرگانی با در دست داشتن شکایتی از دادسرای مبارزه با جرایم رایانه‌ای «ناحیه ۳۱ تهران» به پلیس فتا مراجعه و اظهار کرد، فردی ناشناس در یک سایت ناشناس مطالب کذبى درباره محصولات شرکتش منتشر کرده و انتشار این مطالب باعث ضرر و زیان مالی به شرکت شده است.

در زندان، وکیل بند بودم

حکم آزادی‌اش امضا و اشک از چشمان مادرش سرازیر شد، حالا قرار است بعد از شش سال بار دیگر با هم سر یک سفره بنشینند.

از این‌که آزاد شدى چه احساسى داری؟
این‌که مادر و همسرم را خوشحال می‌بینم خوشحالم. یک دختر ده‌ساله هم دارم که دلم برایش تنگ شده. دوست دارم او را ببینم.
از این‌که آزاد شدى چه بودی در این سال‌ها که در زندان بودی به آزادی فکر می‌کردی؟
همه زندانیان هر روز به آزادی فکر می‌کنند. اما سعی می‌کردم روزهای عمرم در زندان هدر نرود.

فوق دیپلم مکانیک داشتم؛ اما در رشته حقوق درس خواندم و لیسانس گرفتم. اوقات فراغتم را هم با هم‌بندی‌هایم فوتبال و والیبال بازی می‌کردم. وکیل بند زندان هم بودم. هر کاری می‌کردم تا گذر زمان را در زندان حس نکنم.

وکیل بند یعنی چه؟
یعنی مسؤول بند. کارهای اداری هم‌بندی‌ها را انجام می‌دادم و با مسؤول زندان در رابطه با مشکلات و درخواست‌های آنها در تماس بودم.

قبل از دستگیری شملت چه بود؟
بازرس کنترل کیفی ایران خودرو بودم. همان جا با مقتول همکار بودم.

از روز حادثه بگو
اصلا دلم نمی‌خواهد خاطرات تلخ این ماجرا برایم تداعی شود. من اشتباهی کردم و خانواده مقتول با بزرگواری از قصاص من گذشتند. بازگویی این اتفاق تلخ برای خانواده خودم و خانواده مقتول خوشایند نیست.

برای آینده‌ات چه برنامه‌ای داری؟
همسرم و مادرم به خاطر اشتباه من خیلی سختی کشیدند. می‌خواهم گذشته را جبران کنم.

راز سر به مهر آتش‌سوزی مرگبار قهوه‌خانه



خانواده دو کارگری که در جریان آتش‌سوزی عمدی مرگبار در قهوه‌خانه سنتی در تهران کشته شده بودند سه سال بعد از حادثه به خاطر شناسایی نشدن عامل یا عاملان این جنایت، درخواست دیه از بیت‌المال را مطرح کردند. به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۹ و ۳ دقیقه صبح یازدهم آذر سال ۹۵ بود که قهوه‌خانه‌ای در بلوار الغدیر یافت‌آباد تهران به آتش کشیده شد. آتش‌نشنان با حضور در آنجا متوجه شدند این قهوه‌خانه سنتی به مترژ ۲۰۰ متر بوده و از محلی که با آشپزخانه و سیلندهای گاز ارتباط داشته، آتش شروع شده و همه جای قهوه‌خانه را گرفته و خاکستر کرده است. آنها همچنین دو نفر از کارگران که دچار سوختگی شده بودند را نجات دادند و جسد سوخته دو کارگر دیگر را که در اتاقک کنار در ورودی قهوه‌خانه افتاده بودند، کشف کردند. هم‌زمان با تحقیق از مالک آنجا معلوم شد مالک اصلی، فرد دیگری است. مستاجر قهوه‌خانه صبح از طریق تماس تلفنی همسایه با توجه قهوه‌خانه معلوم شد روز بعد از ماجرا، دو چه‌کسی عامل این جنایت بوده است. کارشناسان آتش‌نشانی در بررسی‌ها اعلام کردند آتش‌سوزی بر اثر ریختن مایعات سریع‌الاشتغال در محل قرارگرفتن نخت‌های قهوه‌خانه در ضلع جنوبی رخ داده و عمدی است. با توجه به این موضوع، روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله جدیدی شد و در تحقیقات محلی از تفننی همسایه با توجه قهوه‌خانه معلوم شد روز بعد از ماجرا، دو مرد که سرنشینان پژو بودند به آنجا آمده و درباره آتش‌سوزی پرس‌وجو کرده‌اند. ماموران به این دو نفرظنین و بازداشت شدند. اما در تحقیقات ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران معلوم شد نقشی در ماجرا نداشتند و آزاد شدند. اما بعد از آن، جست‌وجوی پلیسی برای یافتن و دستگیری عاملان این آتش‌سوزی مرگبار بی‌نتیجه ماند و خانواده دو قربانی، صاحب قهوه‌خانه و دو مصدوم حادثه نیز شکایت‌های خود را در شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی

تهران ثبت کردند. این پرونده به شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد.

تصادف زنجیره‌ای ۱۸ خودرو در پایتخت

تصادف زنجیره‌ای میان ۱۸ خودرو در بزرگراه فتح به مصدومیت شش نفر منجر شد.

سرهنگ محمد رازقی، رئیس مرکز فرماندهی و کنترل هوشمند ترافیک پلیس راهور پایتخت به سایت پلیس گفت: ساعت ۴ و ۴۵ دقیقه دوشنبه سی‌ام دی امسال، وقوع تصادف زنجیره‌ای در بزرگراه فتح به پلیس گزارش شد. هم‌زمان با حضور ماموران راهور در محل و بررسی ماجرا مشاهده کردند ۱۸ خودروی سواری در بزرگراه فتح روی پل کن به علت لغزندگی سطح راه با هم تصادف کرده‌اند و شش نفر از سرنشینان یک دستگاه مینی‌بوس را در این تصادف مصدوم کردند.

وی افزود: در جریان تحقیقات معلوم شد ابتدا راننده سواری ون یا روی ترمز گذاشته و خودروی وی به علت لغزنده بودن معبر سر خورده و به سمت گاردیل‌های وسط اتوبان کشیده شده و پس از عبور از آنها به لاین مخالف رفته و در ادامه، خودروهای پراید، تندر ال ۹۰، پراید، اتوبوس، مینی‌بوس، پراید، سمند تاکسی و ال ۹۰، پژو، وانت پیکان، پراید، سمند و وانت آریسان یکی پس از دیگری با یکدیگر برخورد کرده و هر یک چار آسیب شده‌اند و سپس متوقف و با دو خودروی دیگر برخورد کرده و این تصادف زنجیره‌ای رخ داده است.

انتقاد عجیب از شرکت بازرگانی در فضای مجازی

رئیس پلیس فتای پایتخت از دستگیری مرد جوانی خبر داد که با انتشار

مطالب کذب نسبت به محصولات یک شرکت بازرگانی، باعث ضرر و زیان آن شرکت شده بود.

به گزارش خبرنگار جام جم، سرهنگ تورج کاظمی گفت: ۲۸ آبان امسال

مردی که دختر جوانی را از ترس آبروریزی کشته بود، پس از ۶ سال از زندان آزاد شد

قتل برای پایان رابطه پنهانی

بازداشت شد و مورد بازجویی ماموران پلیس قرار گرفت. متهم که در برخورد اولیه با ماموران پلیس از مرگ فریبا اظهار بی‌اطلاعی کرد، در بازجویی‌های بعدی دچار ضد و نقیض‌گویی شد و همین ظن ماموران را به او بیشتر کرد.

سرانجام علی لب به اعتراف گشود و گفت: از حدود یک سال قبل با فریبا رابطه پنهانی داشتم و به هم علاقه پیدا کرده بودیم. اما این اواخر همسر به روابط من مشکوک شده بود و با توجه به این‌که فریبا همکار من بود، ترسیدم در محل کارم آبروریزی شود و از او خواستم دیگر با هم ارتباط نداشته باشیم. اما فریبا می‌گفت قطع ارتباط با من برایش سخت است و تصمیم من را قبول نمی‌کرد و با من تماس می‌گرفت. هر کاری می‌کردم تا او را قانع کنم که این ارتباط به صلاح نیست به خرجش نمی‌رفت و باز با من تماس می‌گرفت.

متهم در توضیح روز حادثه به ماموران گفته بود: فریبا مبلغی پول به من بدهکار بود و روز حادثه باز با من تماس گرفت و خواست برای دریافت بدهی‌ام به خانه‌اش بروم. اول قبول نمی‌کردم، اما اصرار کرد و گفت این آخرین دیدار ما خواهد بود. آخر سر به امید این‌که او را راضی کنم این ارتباط فایده‌ای ندارد به خانه‌اش رفتم. فریبا خیلی ناراحت بود و دوباره برای ادامه رابطه اصرار کرد. حرف‌هایی می‌زد که من را عصبانی و کلافه می‌کرد. یک‌دفعه بچتمان بالا گرفت و نمی‌دانم چه شد که یک جام شیشه‌ای را که روی

مرد جوان که برای

پایان دادن به رابطه‌اش با یکی از همکارانش، زن جوان را کشته بود بعد از شش سال از

زندان آزاد شد. قاتل پس از آزادی در گفت‌وگو با جام جم از حال و هوای شش سال زندان و امیدیش به آزادی گفت.

به گزارش خبرنگار جام جم، اسفند ماه سال ۹۴ رسیدگی به پرونده قتل زن جوان با پیدا شدن جسد غرق در خون او در یکی از محله‌های شهریار آغاز شد. شواهد حاکی از آن بود که زن جوان بر اثر اصابت جسم سخت به سرش جان خود را از دست داده و چند ساعت بعد از قتل در حالی که پاسخگوی تلفن هم‌راش نبود، خانواده او نگرانش شده و با مراجعه به محل سکونتش با جسد او روبه‌رو شدند و موضوع را به پلیس اطلاع دادند.

بازپرس کشیک قتل و تیم بررسی صحنه جرم، در اولین تحقیقات خود در محل کشف جسد به این نتیجه رسیدند که با توجه به سالم بودن قفل در خانه، قاتل زن جوان آشنا بوده است. همچنین خانواده فریبا تأیید کردند از خانه او سرقتی انجام نشده و با این فرضیه که قاتل فردی آشنا بوده، تماس‌های آخر مقتول را ردیابی کردند و مشخص شد آخرین تماس‌های او با یکی از همکارانش به نام علی بوده است. به همین دلیل علی به عنوان تنها مظنون پرونده

مدیر شرکت، تنها متهم قتل مرد مباشر

پرونده برای رفع نقص در تحقیقات به شعبه ششم بازپرسی و نزد احسان زمانی، بازپرس کنونی پرونده در دادسرای جنایی تهران ارسال کردند. با دستور بازپرس جنایی، این زن دوباره به دادسرای جنایی تهران احضار شد و مورد تحقیقات دوباره قرار گرفت. او در تحقیقات مدعی شد در ماجرای ناپدید شدن مرد مباشر که برای او و شرکتش کاری کرده نقشی ندارد.

وی گفت: مرد گمشده سال‌ها بود علاوه براین‌که سرایدار شرکت‌م بود، همه کارهای خرید آنجا و کارهای بانکی و اداری‌ام را انجام می‌داد و به عنوان مباشر برایم کار می‌کرد. او فرد مورد اطمینانی برایم بود که بیشتر کارهایم را به او می‌سپردم تا برایم کار کند. آن روز قرار بود برای یک معامله ملک به شهرستان دماوند برویم تا شاهد معامله و عقد قراردادکاری با خریدار باشد. او از خانه‌اش بیرون آمد و بعد از گفت‌وگوی تلفنی با من قرار شد در میانه راه او را سوار کنم.

وی افزود: او بعد از آن‌که سوار خودرویم شد به سمت دماوند راه افتادیم. زمان کوتاهی از حضورمان در آنجا نگذشته بود که تلفن همراه او به صدا درآمد. با فردی حرف زد و از من خواست به تنهایی برای کارهای معامله زمین و ملک بروم و به سمت تهران بازگشت. من هم سر قرار معامله رفتم، کارهایم را انجام دادم و بعد به خانه‌ام در تهران بازگشتم. نمی‌دانم او کجاست و از سروشت وی بی‌خبرم. نقشی در ماجرای ناپدید شدن او ندارم و وی را به قتل نرساندم.

با توجه به گفته‌های این زن و محتویات موجود در پرونده و پیدا نشدن مرد گمشده، برای تنها متهم قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی تا روز جلسه محاکمه دادگاه صادر شد. در حالی که پرونده وی به اتهام مشارکت در قتل عمدی مرد مسلمان با صدور جلب به دادرسی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد تا این زن به‌زودی محاکمه شود.

سه سال بعد از ناپدیدن شدن مرد مباشر در مسیر تهران، دماوند، زنی که کارفرمای او بود در مظان اتهام قتل عمد وی قرار گرفت. تنها متهم پرونده با وثیقه ۵۰۰میلیون تومانی تا روز دادگاه آزادشد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، پنجم خردادسال ۹۵ خانواده‌ای با حضور در شعبه ششم دادسرای جنایی تهران شکایت کردند پسر خانواده که متاهل بوده و فرزند دارد از روز قبل از خانه بیرون رفته و ناپدید شده و تلفن همراهش نیز خاموش است. در جریان تحقیقات معلوم شد او علاوه برسراینداری شرکت یک زن پولدار، مباشر وی نیز در امور کارهای اداری و بانکی‌اش است. بنابراین از زنی که کارفرمای مرد گمشده بود نیز تحقیق شد. وی مدعی بود از ماجرای ناپدید شدن وی خبری ندارد و نمی‌داند او کجاست.

این درحالی بود که ماموران احتمال دادند شاید مرد جوان بروده شده و در مکانی زندانی است که تحقیقات در این باره به بی‌نتیجست رسید، چون فردی با خانواده شاکی برای دریافت پول و آزادی وی تماس نگرفته بود. ماموران در تحقیقات بعدی پی بردند مرد جوان آخرین بار با زنی که کارفرمایش بوده دیده شده است. بنابراین خانواده از او این زن به اتهام قتل عمد شکایت کردند. زن کارفرما و تنها مظنون پرونده، بازداشت و مدعی شد مرد مباشر تا مسافتی با او آمده اما بعد از آن رفته دنبالش کارهایش و دیگر خبری از وی نداشته تا روز بعد که از طریق خانواده وی فهمیده مرد جوان ناپدید شده است.

این زن آزاد و برای این پرونده قرارموقوفی تعقیب صادر شد. با اعتراض خانواده مرد جوان پرونده برای اختلاف نظر درباره آزادی یا بازداشت تنها مظنون پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. قضات دادگاه بعد از بررسی‌های لازم نظر دادند که باید به تنها مظنون پرونده اتهام قتل عمد تعهیم شود که دوباره

بخشش پدر ۸۰ ساله در جلسه محاکمه

بالای سر جسد خون‌آلود همسرش نشسته بود و گریه می‌کرد، دستگیر کردند. متهم در اعترافاتش گفت: «من و همسرم همیشه با هم اختلاف داشتیم. همسرم و پسرهم به اجبار من را وادار به رژیم غذایی می‌کردند و غذاهایی را که دلم می‌خواست به من نمی‌دادند. روز حادثه همسرم از من خواست با هم به شهرستان راگاه‌ها برویم که من گفتم نمی‌آیم. او هم گفت من تو را با این همه گوشت و مرغ در فریزر تنها نمی‌گذارم. سر همین بچتمان شد و من به حدی عصبانی شدم که با کارد آشپزخانه چند ضربه به همسرم وارد کردم. اما بلافاصله پشیمان شدم.» به دنبال اعتراف متهم، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و روز گذشته متهم پای میز محاکمه رفت.

پیرمرد ۸۰ ساله بعد از به قتل رساندن همسرش و اقرار به قتل در دادگاه محاکمه شد. پسر او به عنوان تنها ولی دم پرونده ابتدا تقاضای قصاص پدرش را کرد، اما با میانجیگری قضات در دادگاه از قصاص پدرش اعلام گذشت کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، مرداد ماه امسال زن جوانی با ماموران کلانتری ستارخان تماس گرفت و از قتل مادرشوهرش خبرداد. عروس پیرزن به ماموران گفت: «ما ساکن طبقه بالای خانه مادر و پدر همسر هستیم. ساعتی قبل پدر همسرم سراسیمه و خون‌آلود در حالی که به شدت گریه می‌کرد، به خانه ما آمد و گفت با مادرشوهرم دعوایشان شده و او را به قتل رسانده است.»

ماموران با حضور در محل، پیرمرد به نام حبیب را که